

گزارش مجمع عمومی کارگران شرکت الکتریک ایران - رشت و یک تجربه کارگری

komiteye_kargari@yahoo.com

در روز یکشنبه ۸۴/۷/۳ حدود ۴۰۰ نفر از کارگران کارخانه الکتریک رشت ، به همراه تعدادی از اعضای خانواده های خود ، در قطعه زمینی که متعلق به کارخانه است (همان قطعه زمین مورد مناقشه) اجتماع نمودند . تا پس از مدتها درخصوص وضعیت بلاتکلیف و نابسامان خویش و کارشکنی ها و وقت گذرانی های مستمر و پی در پی آقای قُبه، سرمایه دار خریدار کارخانه و عوامل کوچک و بزرگ او ، تصمیمی جمعی و مشترک بگیرند.

توضیح اینکه - همانطور که در اطلاعیه های پیشین این کارخانه نیز آمده است - آقای قُبه ، معاون آقای کرباسچی ، شهردار اسبق تهران - که مردم ایران تا حدودی در جریان گوشه هایی از عملیات جادوگری و چشم بندی ایشان و همپالگی های شان ، در بالا کشیدن و غیب کردن اموال و دارایی های اخاذی شده از مردم ، از طریق تلویزیون و سایر وسایل ارتباط جمعی ، قرار گرفته اند - ظاهراً" علی رغم تمایل خود وبه اکراه !!! (این مسئله را قُبه و عوامل او بدین گونه در روزنامه های کثیرالانتشار انعکاس داده اند) ودر حالی که هیچکس اقدام به خرید این کارخانه نمی کرد!!! دریک معامله نه چندان سود آور !!! چند کارخانه در محل های مختلف ، مقدار ۱۳ هکتار زمین در یکی از بهترین نقاط شهر رشت را به همراه تعداد قابل توجهی ماشین آلات بعضاً" دست نخورده و دیگر امکانات و . . . را با سرمایه ای بالغ بر ۵۰ میلیارد تومان ، جمعاً" به قیمت یک میلیارد و هشتصد میلیون تومان به اقساط پنج ساله و با استفاده از وام های بانکی خریداری کرده ، تا پس از تخریب ساختمانهای متعدد آن و تبدیل این مرکز تولیدی به زمینی بایر - والبته تجاری و پر سود - آنها را تفکیک نماید و پس از قطعه بندی به قیمتهای بسیار بالا به فروش برساند و خود نیز احتمالاً" بخشهایی از آن را بسازد و بفروشد تا شاید که خیر دنیا و آخرت در آن باشد واز این طریق - همچون زمانی که در شهرداری تهران حضور داشتند - بتوانند ، خدمتی هم به مردم کرده باشند !!! و شندر غازی هم نصیب ایشان گردد !!! چه ایرادی دارد ؟

حال ، اگر دراین گیرودار و بخر و بساز و بفروش آقایان ، و خانمها نیز(چون آقای قُبه ، اکثر معاملات ، از جمله معامله ی مورد نظر را با سازمان صنایع - مالک قبلی کارخانه- از طریق خانمهایشان و به شکل مخفیانه ای انجام می دهد وما کارگران کارخانه پس از مدتهای مدید، سرانجام اسم آقای قُبه را پشت اسامی چند خانم ، در حقیقت کشف کرده ایم . آخر معلوم نیست که چرا آقای قُبه اینهمه کار مردمی و خدایپسندانه را به شکل مخفیانه و پشت نام خانمها یشان انجام می دهد) صدها تن کارگر

تولید کننده ی ثروت های اجتماعی ، به همراه خانواده های خود از کار و تولید و هستی خود حتی ، بازماندند و متضرر شدند و بیش از پیش دچار مشکلات و مصائب عدیده ی زندگی گردیدند، این از ما بهتران را چه باک . ایشان که مسئول جان و مال ما کارگران نیستند . ایشان یک سرمایه دارند و مثل همه ی سرمایه داران این مملکت - وهمه جای دنیا - در یک کشور باصطلاح آزاد سرمایه داری با رعایت تمامی موازین و قوانین موجود و مسلط - و صد البته مشروعیت و حرمت آزادی قراردادها و معاملات - می خردند و می سازند و می فروشند - حتی یک کارخانه سرپا و در حال تولید را با سابقه ای طولانی و قابل توجه - تا شاید ، در کنار شرکت در کارهای خیر ، اندک سودی هم نصیب ایشان گردد !!! تماما" مشروع ، تماما" قانونی ، تماما" محکمه پسند .

و اما ببینیم که در این سوی قضایا ، چه می گذرد. در این سوی تعداد ۵۴۰ نفر کارگر در اوج شرایط کار و تولید : (واستثمار وحشیانه البته) ، دقیقاً" در راستای پاسخ گویی به حرص و ولع سیری ناپذیر سرمایه داران ، در یک معامله عجیب و باور نکردنی (از این معاملات در چند جای دیگر نیز البته اتفاق افتاده است) که میان آقای قُبّه بعنوان سرمایه دار طرف قرارداد و سازمان صنایع بوقوع پیوست ، به ناگهان از کار بیکار شدند و در پیچ و خم مشقّت بار و بی رحم زندگی در نظام حاکمیت سرمایه به امان خدا رها گردیده ، تا با افزوده شدن به ارتش ذخیره ی بیکاران در پشت درهای کارخانجات و مراکز تولیدی و خدماتی ، اعتماد به نفس و آرامش خیال بیشتری را نصیب سرمایه داران و نظام سرمایه داری بنمایند. تا آنان بتوانند افزون تر از پیش کارگران را استثمار کنند و بادستی باز ، انواع و اقسام نکبت و درد را همچون دستمزدی بخور و نمیر و قراردادهای موقت کار ، محرومیت از بیمه های اجتماعی ، بیکاری ، فقر و . . . را به کارگران تحمیل نمایند. و حقیقت اینکه اینها همه جزئی از ماهیت نظام نابرابر ، استثمارگر و پوسیده ی سرمایه داری است و لا غیر . ما کارگران خود می دانیم که تا زمانی که این چنین نظام مسلط و پابر جاست ، حال و روز ما ، بهتر از این نخواهد بود .

بهر حال ، کارگران نیز پس از بیکار شدن و تحمل مشقّات و مصائب فراوان و در عین حال فداکاری و جانفشانی های مثال زدنی در تصرف و کنترل کارخانه ، برای متوقف کردن ورود و خروج ماشین آلات ، اموال ، مدارک و دارایی های کارخانه و جلوگیری از تخریب آن توسط سرمایه دار که بمنظور فشار بر قُبّه و عوامل او ، جهت پاسخگویی به خواستها و مطالبات به حق کارگران صورت می پذیرفت ، سرانجام و پس از کش و قوس های بسیار ، قُبّه و عوامل او را به پای میز مذاکره کشاندند و بدنبال چانه زنی های بسیار که میان نمایندگان کارگران از یکطرف ، و عوامل قُبّه و مسئولین سازمان صنایع از جمله معاون وزیر از جانب دیگر صورت گرفت ، قُبّه را مجبور نمودند تا اینکه :

۱- حقوق و مزایای معوقه ی کارگران را از هنگام تعطیلی کارخانه تا زمان مذاکره - برای مدت ۹ ماه - پرداخت نماید. ۲- یکی از کارخانه های خریداری شده در این معامله را در بیرون شهر ، که قبلاً در چرخه ی تولید این کارخانجات قرار داشت ، مجدداً راه اندازی نموده ، تعدادی از کارگران را در آنجا به کار بگمارد و ۳- سنوات بازخریدی کارگران را برای هر سال ۳/۵ ماه به کارگران بپردازد . لیکن در یک اقدام مزورانه ، پرداخت سنوات را موکول به قطعه بندی و فروش یک قطعه زمین ۲/۷ هکتاری در شهر وانجام کلیه کارهای آن بوسیله خود کارگران نمود . نمایندگان کارگران نیز که فشارهای زیادی را تحمل نموده بودند، متأسفانه این مسئله را پذیرفتند . کارگران همچنین پس از بازگشت به شهر رشت . از تصرف و کنترل کارخانه - همانطور که ذکر شد - بمنظور اخلاص در کار جابجایی و ورود و خروج ماشین آلات ، اموال و دارایی های کارخانه و مدارک مورد نیاز قبّه و جلوگیری از تخریب کارخانه ، جهت پاسخگویی به کارگران صورت می پذیرفت ، دست کشیدند و کارخانه را ترک کردند و در محلی دیگر - ساختمان تعاونی مصرف کارگران - مستقر شدند.

و اما بشنویم از کارهای آقای قبّه سرمایه دار متعهد !!! و چگونگی اجرای تعهدات و توافقات از جانب او . آقای قبّه و عوامل او نیز - همچون یک سرمایه دار واقعی و اصیل - شروع کردند ، از یک طرف به پرداخت تدریجی و نوبتی حقوق معوقه ی کارگران ، و ظاهراً اجرای بندهای توافق نامه - بند ۱ آن - و از جانب دیگر و درست همزمان با پرداخت تدریجی حقوق ، بیرون بردن وسایل و ماشین آلات و اموال و مدارک موجود در کارخانه و سپس تخریب تمامی ساختمانهای آن اعم از ساختمان های تولید ، مونتاژ ، قالب سازی ، ساختمان اداری ، مهد کودک ، سالن هایی که بمنظور نمایشگاه ، کنسرت و کارهایی از این قبیل ، از آنها استفاده می شد ، و همه و همه چیز کارخانه . تا آنجا که از کارخانه ای با عظمت "شرکت الکتریک ایران - رشت" جز تلی از خاک باقی نماند، تا همانطور که سرمایه دار مورد نظر در نظر داشت ، پس از تخلیه از نخاله های موجود، تفکیک و قطعه بندی شود و جهت فروش و بساز و فروش آماده گردد.

و اما آقای قبّه (تعجب نکنید، عین واقعیت است) همین که به مقصود رسید و اصطلاحاً "بر خر مُراد سوار شد ، انگار نه انگار که تعهدات دیگری هم در قبال کارگران دارد و توافق نامه ای هم در کار است . از این زمان تنها و تنها کار شکنی و سنگ اندازی بود که کارگران در ادارات و مراکز مختلف دولتی و غیر دولتی ذیربط با مسئله با آن مواجه می شدند، و نه هیچ چیز دیگر . تا آنجا که هم اکنون پس از گذشت نزدیک به یکسال پس از انجام مذاکرات مذکور ، صرفاً با یکسری وعده وعید و وقت گذرانی از آقای قبّه و عوامل او مواجه می شوند . و بدون کار و درآمد مشخصی . تنها با یک حقوق بیمه بیکاری - آنهم نه برای

همه آنان - شرمنده ی اعضای خانواده ، صاحب خانه ، بقال و کسبه ی محل و افراد مختلف ، آواره ی این اداره و آن ارگان دولتی اعم از اداره ثبت ، شهرداری و . . . هستند. تا کار تفکیک قطعه زمین را - که معلوم هم نیست که آخرین کار جهت دریافت سنوات کارگران باشد - به سرانجام برسانند و سنوات خود را دریافت دارند.

شرح داستان آخرین معضلی را هم که (البته تا این لحظه بعنوان آخرین معضل) شهرداری رشت ، دقیقا" برای ایجاد مانع در پیش پای کارگران گذاشت ، خالی از لطف نیست - هرچند که کم و بیش در رسانه ها آمده است - بدین نحو که : شهرداری رشت در یک عکس العمل عجیب به ناگهان اعلام نمود که کارگران می بایست برای تفکیک قطعه زمین مورد نظر ، مبلغ یک میلیارد و پانصد میلیون تومان به شهرداری پرداخت نمایند. تا شهرداری برای تفکیک آن اقدام نماید. (آیا کاملا" واضح نیست که دستهایی در کارند تا در جهت تامین منافع سرمایه داران ، کارگران را از حقوق خویش ، حتی در آنجا که درمورد آن توافق شده است ، باز دارند؟) حال چند لحظه تصور کنید که ما کارگران که برای تامین مخارج روزمره و بسیار نازل زندگی به شدت تحت فشار و مضیقه ایم . چگونه قادر خواهیم بود که یک میلیارد و پانصد میلیون تومان ، صرفا" برای تفکیک زمین به شهرداری بپردازیم . لذا کارگران در یک اقدام هماهنگ و انقلابی و دندان شکن ، در دو روز متفاوت ، به سوی مراکز مورد نظر - شهرداری و شورای شهر - روان می شوند و در میدان اصلی و پر جمعیت شهر شروع به تظاهرات و دادن شعار بر علیه این دونهاد می پردازند که این حرکت کارگران با همراهی و همدلی صدها تن از مردم زحمتکش این شهر و تشویق و تکریم آنان مواجه می شود و شهرداری مجبور به عقب نشینی شده ، اعلام می نماید که حاضر است بدون دریافت هیچگونه وجهی ، زمین مورد نظر را تفکیک نماید .

آری سرانجام پس از همه این کش و قوس ها ، پی گیری ها از یکطرف و کارشکنی و ایجاد مانع از جانب دیگر بود که کارگران و نمایندگان آنها تصمیم می گیرند در قطعه زمین یاد شده ، اجتماع نموده ، مسایل و مشکلات خود را در تشریک مساعی با یکدیگر ، مورد ارزیابی قرار دهند و در مورد آنها تصمیم بگیرند.

در آغاز و پس از شروع جلسه ، نمایندگان گزارش مختصری از کارهای انجام شده از بعد از تظاهرات کارگران در میدان شهرداری رشت و موضع گیری شورای شهر رشت و شهرداری را که حاکی از عقب نشینی آنها در مقابل کارگران بود ، به استحضار جمعیت حاضر رساندند . و پس از اندکی بحث و تبادل نظر حول این مسئله ، ورقه هایی را که مشتمل بر سه مطالبه در سه بند بود درمیان کارگران توزیع نمودند، بااین قصد که کارگران با انتخاب یکی از آن سه مورد و امضای آن، دست نمایندگان را در پیگیری جدی تر مسایل و برخورد با مشکلات و موانع احتمالی باز بگذارند. نمایندگان در عین حال تاکید

داشتند که کارگران شرکت در جهت پیشبرد کارها و دست یابی به موفقیت یا شکست های احتمالی ، برای نمایندگان زمان مشخصی را تعیین نمایند. چرا که به اعتقاد آنان نمی توان اینگونه کارکرد و برای پیشبرد کارها زمان تعیین نمود و صحبت‌هایی از این قبیل که شدیداً با مخالفت اکثریت کارگران که به شدت از نظر معیشتی در مضیقه هستند، مواجه شد . در همین حول و حوش یکی از کارگران حاضر در جلسه میکروفن را در دست گرفت واز کارگران خواست که از فردا ، برای مدت حداقل سه روز در جلوی استانداری جمع شویم ومطالبات خود را از استاندار که به کارگران خیانت کرده است ، بخواهیم . چرا که به اعتقاد او استاندار و استانداری در جریان زیر وبم کارهای قبّه قرار دارند اما هیچ اقدامی برای کارگران انجام نمی دهند فقط به کارگران توصیه می کنند که "آرام باشند" "صبور باشند" و "مشکلات و مصائب را تحمل نمایند" و . . .

بعد از آن یکی از خانم های کارگر نیز میکروفن را در دست گرفت و توصیه نمود که برای ادامه کارها و پیشبرد منظم تر و سریع تر آنها ، برخلاف آنچه را که نمایندگان مطرح می کنند و برروی آن هم تاکید دارند ، زمان مشخصی را در نظر بگیریم واز نمایندگان هم تقاضا نمود که در موضع خود تجدید نظر کنند و برای هر مرحله از کار یک زمان مشخصی را در نظر بگیرند و مرحله به مرحله کارها را به پیش ببرند . پس از آن یکی دیگر از حاضرین در جلسه مجمع که ظاهراً از اعضای خانواده ی یکی از کارگران بود میکروفن را بدست گرفت ودر آغاز از کارگران خواست تا به کوری چشم سرمایه داران تفرقه و دودلی را کنار بگذارند ویکدل و یکپارچه برای خواستها و مطالبات برحق و مسلم خویش بپاخیزند . وی سپس خطاب به نمایندگان کارگران از آنها خواست که حتماً برای مراحل مختلف کار زمان مشخصی را تعیین نمایند و بعد از هر مرحله پیشبرد کار را در حضور کارگران مورد ارزیابی قرار دهند تا معلوم شود که چقدر از کارها با توجه به وعده و وعیدی را که آقایان سرمایه داران می دهند، به درستی پیش رفته و چقدر در جهت پیشبرد کار ، کارشکنی و مانع ایجاد شده است و مشکل کار در کجاست تا کارگران بتوانند در هر مرحله آگاهانه تر ودقیق تر تصمیم بگیرند ودرست متناسب با یک عمل مشخص از جانب سرمایه داران و عوامل آنها ، عکس العمل مقتضی از خود نشان دهند . مثل مورد تظاهرات کارگران در پاسخ به باج خواهی علنی و مانع تراشی آشکار شهرداری رشت که در حقیقت جواب دندان شکنی بود به اقدام ضد کارگری آنان. فرد مورد نظر همچنین خطاب به نمایندگان گفت : وقتی اکثریت قریب به اتفاق کارگران تاکید دارند که در ارتباط با پیشبرد کارها مرحله به مرحله زمان تعیین شود ، در واقع این زمانبندی را کارگران در مقابل نمایندگان خود انجام نمی دهند ، بلکه در مقابل سرمایه دار که همواره در صدد است تا کارها را به تاخیر بیندازد و وقت گذرانی کند ، تا کارگران خسته و ناامید گردند و از ادامه کار باز مانند ، انجام می دهند. وقتی سرمایه دار – در اینجا آقای قبّه – و یا نهادها، ارگانها و سازمان های

دولتی و غیر دولتی ذیربط با مسئله ، وعده می دهند که بعنوان مثال ، جواب این مسئله را تا یک یا دوهفته دیگر به کارگران خواهیم داد ، باید تا آن تاریخ جواب بدهند و تکلیف خود و کارگران را روشن نمایند . وگرنه باید بفهمند که با پاسخ کوبنده کارگران مواجه خواهند شد و صحبت‌هایی از این قبیل که در مجموع با موافقت و تایید همه کارگران و حتی خود نمایندگان واقع شد .

در پایان جلسه نیز ، قرار براین شد که کارگران تا دوهفته بعد از تاریخ مجمع عمومی حاضر (۸۴/۷/۳) – که قرار است تا آنزمان یکسری کارهای اداری توسط نمایندگان در برخی ارگانها و سازمانهای دولتی و غیر دولتی ، مثل استانداری ، شهرداری ، اداره ثبت و . . . انجام شود ، مجدداً" دراین محل جمع شوند . وپس از اطلاع از چگونگی پیشبرد کارها ، در مورد ادامه کار و شیوه های پیشبرد آن تصمیم بگیرند . جلسه در همین جا نسبتاً" با رضایت عمومی و امیدواری نسبی به آینده به پایان رسید.

اتحاد کمیته های کارگری – ۸۴/۷/۳ / 25 Sep. 2005

komiteye_kargari@yahoo.com